

— ویلیام کنت کروگر —
— ترجمہ ثمین نبی پور —

تابستان مرگ و معجزہ

www.ketab.ir

افق
شر

— ofoqbooks.com —

سرشناسنامه	کنت کروگر، ویلیام.
عنوان و نام پدیدآور	تابستان مرگ و معجزه / ویلیام کنت کروگر؛
مشخصات نشر	ترجمه‌ی ثمین نبی‌پور.
مشخصات ظاهری	تهران: افق، ۱۳۹۷.
فروست	۴۰۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۵۳-۴۵۹-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	فیفا
یادداشت	عنوان اصلی: Ordinary Grace: a novel, 2013
موضوع	داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده	نبی‌پور، ثمین، ۱۳۶۴، مترجم
رده‌بندی کنگره	۲۱۳۹۷ ت ۸۷ ر / ps ۳۵۶۶
رده‌بندی دیویی	۸۱۳/۵۴
شماره کتابشناسی ملی	۵۲۲۴۹۲۱

تابستان مرگ و معجزه

ویلیام کنت کروگر

ثمین نبی‌پور

نیمه سبک

آلبوم نشر افق

۹-۱۳۹۸-۵۳-۶۰۰-۹۷۸

۱۳۹۸، ۱۰۰، ۴۰۸ ص.

سبک

طیف‌نگار، تهران

۴۶۰۰۰ تومان

نویسنده

مترجم

ویراستار

صفحه‌آرایی و نسخه‌پردازی

شابک

چاپ اول

لینتوگرافی

چاپ و صحافی

قیمت

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر این اثر برای مؤسسه‌ی نشر افق محفوظ است. هر گونه استفاده از کتاب‌آرایی و عناصر آرایشی و نیز تکثیر و تولید دوباره‌ی آن به هر شکل و شیوه از جمله چاپی، کپی، صوتی، تصویری و الکترونیکی بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر پیگرد قانونی دارد.

افق
ناشر

پیش‌گفتار

تسم مرگ و میرهای تابستان آن سال با مرگ یک کودک شروع شد؛ پسری موطلائی، عینک ته‌استکانی که روی خط‌آهن بیرون شهر نیوبرمِن در مینه‌سوتا کشته شد. هزار تن فولادِ قطار که از دشت به سمت داکوتای جنوبی می‌ناخدا، بِن کوچکش را تکه‌تکه کرد. اسم پسر بابی کول بود. قیافه‌ای شایسته داشت. منظورم این است که چشم‌هایش پراز رؤیا بود. لب‌خند نصفه‌نیمه‌اش خورشید بود که انگار بعد از اینکه یک ساعت مسئله‌ای را برایش توضیح می‌داد، بالاخره توانسته آن را درک کند. باید او را بهتر می‌شناختم؛ باید دوست بهترش می‌بودم. خانه‌اش از خانه‌ی ما دور نبود و ما هم سن بودیم، اما در مدرسه دو سال از من عقب‌تر بود و اگر به لطف چند آموزگار مهربان نبود، عقب‌تر هم می‌افتاد. جثه‌اش کوچک بود و خودش کودکی ساده. او هماوردی مناسب برای لُکوموتیو یونیون پاسیفیک با آن موتور دیزلی‌اش به حساب نمی‌آمد.

تابستان آن سال، مرگ با شکل و شمایل مخفف به ششم ما سرک کشید؛ تصادف، مرگ طبیعی، خودکشی و قتل. ممکن است فکر کنید تابستان آن سال را به عنوان یک تراژدی به خاطر می‌آورم. همین‌طور هم هست، اما نه کاملاً. پدرم از اسکلیس^۱ نقل می‌کرد که «آن که بیشتر می‌داند، باید عذاب بکشد. و درد ورنج که توان فراموش کردنش نیست، حتی در خواب قطره‌قطره بر قلب می‌بارد. تا اینکه خلافِ اراده‌مان و از

۱. Aeschylus؛ اسکلیس یا آیسخولوس یا آخیل، تراژدی‌نویس معروف یونان باستان و همچنین نخستین و قدیمی‌ترین نمایش‌نامه‌نویسی است که آثارش تا امروز به جای مانده است - م.

طریق موهبت دردناک الهی، خرد جایگزینش شود.»

در نهایت شاید آن تابستان چیزی جز همین درد و خرد نبود. من آن وقت ها هم سن و سال بابی بودم و این چیزها را نمی فهمیدم. چهار دهه از آن تابستان گذشته و هنوز نمی دانم چقدرش را فهمیده ام. هنوز خیلی وقت ما به رخدادهای آن تابستان فکر می کنم؛ به بهای دردناک دانایی؛ به موهبت دردناک الهی.